

مشکلات

تدریس

زبان

عربی

در ایران



دکتر جعفر دلشاد
عضو هیئت علمی
دانشکده زبان
دانشگاه اصفهان

شاید شما هم چند واحدی یا ساعاتی، عربی تدریس کرده و با مشکلات آموزش این رشته روبرو بوده‌اید. آنچه که بیش از همه دل‌آزار است، بی‌ربطی دانش‌آموزان به این درس و گریزشان از قواعد صرف و نحو است.

مشکل هر چه باشد و ریشه آن از هرجا که آب بخورد دودش به چشم آینده فرهنگی این مرز و بوم می‌رود که حتی ادبیاتش با فرهنگ قرآن و ادبیات عربی عجین شده است. امیدواریم مقاله حاضر راهی به سوی حل مشکلات در تعلیم این درس بگشاید.

پس از سالیان دراز که از تدریس زبان عربی در ایران می‌گذرد، این سؤال مطرح است که چرا هنوز تدریس این درس با مشکلات فراوانی روبرو است؟!

در تلاش برای یافتن پاسخ این سؤال، ابتدا باید هدف و انگیزه تدریس زبان عربی در مدارس مشخص گردد، و چنانچه هدف از این درس، رسیدن به درک بهتری از متون دینی (قرآن و نهج البلاغه) باشد، باید در چارچوب این هدف حرکت کرد و برنامه ریزی نمود. تا شاید بتوان از این رهگذر دانش‌آموزان ایرانی را با انگیزه بیشتری به یادگیری زبان عربی واداشت.

◆ زبان عربی و مکالمه:

به نظر می‌رسد، روش مکالمه در یادگیری زبان عربی در ایران چندان مؤثر و مشتم نبوده، و دانش‌آموزان صرفاً جمله‌های کتاب را حفظ می‌کنند، و به معلم خود بخوبی پاسخ می‌دهند، و یا در برگه‌های امتحانی مطالب را بخوبی منعکس می‌کنند، ولی متأسفانه از این همه زحمت، معمولاً چیزی عاید آنان نمی‌شود زیرا انگیزه‌ای برای آن نمی‌بینند. چنانچه بخواهیم روش مکالمه عربی را با روش مکالمه انگلیسی مقایسه کنیم، می‌بینیم که دانش‌آموزان انگیزه‌ای بسیار قوی در خود احساس می‌کنند که مکالمه انگلیسی را یاد بگیرند، ولی این پدیده نسبت به فراگیری مکالمه عربی بسیار ضعیف‌تر است، و یا اصلاً وجود ندارد. و شاید علت اصلی این باشد که دانش‌آموزان هیچگونه ضرورتی برای این کار نمی‌بینند.

زمانی این روش سودمند است که دانش‌آموزان احساس کنند می‌خواهند در آینده به یکی از کشورهای عربی سفر کنند، و مدتی در آنجا رحل اقامت افکنند، و یا در آینده، شغل تجارت را پیشه خود قرار دهند، چراکه آشنایی با این زبان جهت برقراری هرگونه ارتباط با کشورهای عربی لازم است، لیکن وقوع این دو احتمال بسیار نادر است. حتی اشخاصی که به حج مشرف می‌شوند، علاقه چندانی به فراگیری زبان عربی ندارند، مگر اینکه انگیزه‌ای آنچنان قوی در خود احساس کنند، که به سراغ فراگیری مکالمه عربی بروند.

◆ زبان عربی و قرآن

اصولاً فراگیری زبان عربی در ایران با این هدف صورت می‌گیرد که خواندن و درک مفهوم قرآن را خوب یاد بگیریم، و اگر چنانچه قرآن کریم در کار نبود، زبان عربی نیز مفهومی نداشت، پس می‌توان گفت که زبان عربی در ایران و سایر کشورهای اسلامی غیر عرب زبان، همچون پاکستان، هندوستان، ترکیه و... فلسفه‌ای جز این ندارد و مردم این کشورها تنها برای خواندن و فهمیدن قرآن کریم و حدیث پیامبر (ص) و معصومین (ع) عربی را فرا می‌گیرند.

حال که چنین است، آیا می‌توان درس عربی و درس قرآن را در مدارس ادغام کرد، و بعنوان یک درس ارائه نمود؟ پاسخ منفی است زیرا ممکن است برخی از دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان عربی اکراه داشته باشند، و این اکراه به یادگیری قرآن کریم سرایت کند. پس بهتر است که درس عربی از درس قرآن جدا باشد.

ناگفته نماند که در درس قرآن در مقطع دبیرستان، بهتر است از علوم قرآنی بنحوی بسیار ساده استفاده نمود، تا دانش‌آموزان علاوه بر خواندن صحیح آیات قرآن، از شأن نزول برخی از آنها نیز مطلع شوند، و چنانچه این پیشنهاد مدنظر قرار گیرد، بسیار سودمند خواهد بود.

و چنانچه بخواهیم از قرآن مطالبی را در درس عربی بگنجانیم، چه چیزی بهتر از این که داستانهای قرآن، آیات حکمت آمیز و پند دهنده، و آیاتی که شامل مطالبی ارشادی باشد، و نیز آیاتی که در رابطه با خلقت و آفرینش باشد، و همچنین آیاتی که در رابطه با حسن معاشرت و مسائل اجتماعی، و یا آیاتی که در مورد دعا و توجه به خدا سخن می‌گوید به میان آید. البته این موارد باید با نظر کارشناسان آموزش و پرورش صورت گیرد، و مطالب به گونه‌ای انتخاب شود که برای دانش‌آموزان جذابیت داشته باشد.

به نظر می‌رسد استفاده از داستانهای قرآن به زبان نویسندگان عرب زبان، و نیز مطالب نهج البلاغه مولای متقیان و سایر ائمه اطهار به زبان عربی، در آموزش این زبان بسیار سودمند خواهند بود.

◆ زبان عربی و قواعد آن:

متأسفانه چه در مقطع راهنمایی و چه در مقطع دبیرستان، توجه بیشتر به این است که قواعد عربی به دانش‌آموزان آموزش داده شود، که در مقطع دبیرستان این امر بسیار قوی‌تر بیچشم می‌خورد. و دانش‌آموزان دبیرستانی غالباً اینگونه برداشت می‌کنند که عربی یعنی صرف و نحو.

به نظر می‌رسد تدریس قواعد عربی (صرف و نحو) در مقطع راهنمایی و حتی برای دبیرستان در رشته‌های علوم تجربی و

* بسیار جای تأسف است که هدف نهائی و غائی کتابهای آموزش و پرورش در سطح دبیرستان معطوف به تعلیم صرف و نحو می باشد.

* چه بهتر که قواعد صرف و نحو عربی فقط در دبیرستان، برای رشته ادبیات و علوم انسانی، آن هم به صورت فشرده تدریس گردد به طوری که مطالب آن برای دانش آموزان ملال آور نباشد.

* شعاع

مکالمه

«خیر» صرف و

نحو «نه خیر» را

باید برای

رشته های

علوم تجربی و

ریاضی مدنظر

قرار داد.

ریاضی فیزیک ضرورتی ندارد، و فقط برای رشته های علوم انسانی لازم است، که آنهم باید مختصر و فشرده باشد؛ زیرا بعداً در دانشگاه دانشجویان رشته های علوم انسانی، ادبیات و حقوق بطور بسیار مفصل تری آنرا خواهند خواند.

بسیار جای تأسف است که هدف نهائی و غائی کتابهای آموزش و پرورش در سطح دبیرستان معطوف به تعلیم صرف و نحو می باشد، و حال آنکه این روش نادرست است. و چنانچه برنامه ریزی شود که بجای ۲۰ صفحه مباحث صرف و نحو پیچیده و مشکل ۱۰۰ صفحه مطالب گوناگون عربی ارائه گردد، بسیار سودمندتر است، و انگیزه ای در دانش آموزان بوجود می آید، و پس از آن خود دانش آموزان بدنبال خواسته های خود خواهند رفت؛ به جای آنکه بر آنان تحمیل کنیم که حتماً قواعد (خشک) را باید یاد گرفته و حفظ کنند، و در امتحان همه آن قواعد را که به زحمت یاد گرفته اند بنویسند، تا نمره بگیرند، و در نتیجه نفرت آنان نسبت به عربی دو چندان گردد.

پس چه بهتر که قواعد صرف و نحو عربی فقط در دبیرستان، برای رشته ادبیات و علوم انسانی، آن هم به صورت فشرده تدریس گردد به طوری که مطالب آن برای دانش آموزان ملال آور نباشد.

بد نیست مروری داشته باشیم به کتابهای عربی که در مقطع راهنمایی و دبیرستان تدریس می شود و نقاط ضعف و قوت آنها را مورد بررسی قرار دهیم، که قطعاً در تصمیم گیری اولیای امور مؤثر خواهد بود.

◆ کتابهای دوره راهنمایی:

در کتابهای دوره راهنمایی مباحث صرفی و نحوی کم است، در کتاب راهنمایی (۲) بیشتر مباحث فعل مضارع ارائه شده است، و نیز مواردی در مبحث فعل نهی و فعل نفی، و در پایان کتاب، در درس (۱۴)، ۴ آیه از قرآن کریم بدون ترجمه نیز آمده است.

در کتاب راهنمایی (۳) تا درس ششم بحث از فعل ماضی است، سپس فعلهای قیاسی، و افعال مزید، اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و زمان، افعال تفضیل، مشتق و جامد ارائه شده است. چنانچه دقت شود، در دو سال و نیم از دوره راهنمایی، دانش آموزان فقط با مباحث فعل مضارع و فعل ماضی سر و کار داشته و در نیمسال آخر سال سوم راهنمایی با مباحث زیادی که ذکر شد رویرو می شوند. و این روش، روش مطلوبی نیست. ناگفته نماند که در پایان هر درس تمرین های زیادی آمده است، که بسیار ملال آور است، که می توان مقدار آنها را کم تر در نظر گرفت.

◆ کتابهای دوره دبیرستان:

اکثر دانش آموزان در ایران از قواعد صرف و نحو نسفرت دارند، پس نباید قواعد عربی اصل باشد بلکه متون عربی باید اصل و مبنای آموزشی قرار گیرد، متأسفانه موقعی که کتابهای دوره دبیرستان را مرور می کنیم، مشاهده می شود که اصل و مبنا در روش نگارش این کتابها، تعلیم مباحث، صرفی و نحوی است، در حالیکه بنظر می رسد که نه ضرورتی دارد و نه امکان آن است که دانش آموزان دوره دبیرستان کلیه مباحث صرفی و نحوی را در عرض سه سال فراگیرند.

نکته قابل تأمل این است که کتاب عربی (۱) و (۲) برای رشته های فنی و حرفه ای، و کار و دانش، از رشته ادبیات و علوم انسانی جدا بوده، ولی کتاب عربی (۳) برای کلیه رشته های تجربی، ریاضی، و علوم انسانی یکسان در نظر گرفته شده است، که بسیار جای تعجب است. ۴!

در کتاب (۲) دوره دبیرستان، مبحث اعلال در چند مرحله، مورد بررسی قرار گرفته است، بدین صورت که در صفحات ۳۳ تا ۳۷، و نیز در صفحات ۴۵ تا ۴۷، و نیز در صفحات ۵۴ تا ۵۶ آمده است.

چنین روشی در حقیقت دانش آموزان را از این گونه مباحث بیزار می نماید. در حالیکه مبحث حروف مشبیه بالفعل، و لانفی جنس که در دو صفحه بیان شده است و قطعاً کافی بنظر نمی رسد [رجوع شود به صفحه ۱۰۴، و ۱۰۵]

نکته قابل توجه در کتاب عربی (۲) آن است که غالباً هیچ گونه ارتباطی میان خود درس و مبحث مورد نظر در آن درس وجود ندارد، به طوری که مثالهای درس از متن درس نمی باشد. [به درس نهم و درس دهم رجوع شود]

چه ضرورتی وجود دارد که دانش آموزان در دوره دبیرستان، کلیه مباحث اعلال را با آن همه پیچیدگی، که برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی هم دشوار است یاد بگیرند، و یا مباحث غیر منصرف را به دانش آموزان یاد بدهیم، و یا مباحثی چون علامتهای اعراب ظاهری، حال و تمییز، و مفعول له، و مفعول فیه، و منادی، و استثناء و فعل تعجب، و معتلات مزید و ... و ...

متأسفانه کلیه موارد یاد شده در کتاب عربی (۳) دیده

می شود، که برای رشته های تجربی و ریاضی بسیار سنگین، و برای رشته ادبیات و علوم انسانی ملال آور است. چه زمانی که این دانش آموزان فارغ التحصیل می شوند، با زبان عربی هیچ سر و کاری نخواهند داشت، و مطالب مشکل و پیچیده عربی را گویا فقط برای نمره گرفتن در امتحان بطور موقتی یاد گرفته، و دیری نمی گذرد که همه را فراموش خواهند کرد.

و خلاصه اینکه شعار مکالمه «خیر»، صرف و نحو «نه خیر» را باید برای رشته های علوم تجربی و ریاضی مدنظر قرار داد.

◆ چند پیشنهاد در رابطه با تدوین کتابهای

درسی:

۱- جهت تدوین کتابهای درسی، کمیته ای مرکب از حداقل ۵ نفر از دبیران با سابقه تشکیل گردد.

۲- سبک و روش کتابهای کشورهای عربی [حداقل ۳ کشور] مدنظر قرار گیرد، (دبستان، راهنمایی، دبیرستان) تا ملاحظه شود که چگونه از مطالب ساده شروع می شود، و در مراحل دبیرستان، برخی از قواعد ارائه می گردد. و این نظریه مورد تأیید قرار گیرد، که در دوره راهنمایی فقط متون عربی ارائه شود، و در دبیرستان برخی از قواعد بسیار ساده ارائه گردد.

۳- اصولاً تعلیم و تعلم بر روی سه محور دور می زند؛

۱- معلم ۲- دانش آموز ۳- کتاب

۱- در مورد معلم باید گفت که باید ورزیده، علاقمند، و دلسوز باشد. و دوره های لازم جهت توجیه معلمان و دبیران در سطح استان دایر گردد.

۲- نقش دانش آموزان در ارائه پیشنهادها مفید به منظور بهبود کیفیت روش تدریس بسیار سودمند می باشد، و می توان به وسیله پرسش نامه از دانش آموزان ممتاز هر کلاس (حدود ۵ نفر) نظرخواهی به عمل آورد. به نظر می رسد که این گونه پرسش نامه ها، جهت بهبود روش تدریس گره گشا خواهد بود، و امکان آن را خواهد داد تا بهتر به نقاط قوت و ضعف برنامه های آموزشی دسترسی پیدا کرد.

[این گونه پرسش نامه ها برای معلمان و دبیران نیز سودمند می باشد، و توصیه می شود که برای آنان پرسش نامه ای جداگانه در نظر گرفته شود].